

پوهندوی دوکتور محمد انور ترابی  
داکتر علوم طب  
از کشور هالند

## طب و طبابت در عصر تیموریان

آدمی بحیث موجود پوینده از بدو پیدایش غرض تامین صحت و بقای زندگی مجادله ای را آغاز نموده است و در این رابطه به گونه ای مداوم و پایدار با در نظر داشت شرایط زمانی حفظ صحت و سلامت و تندرستی مطمع نظر او بوده است. این مجادله از ابتدائی ترین طرز تفکر در رابطه به صحت و سلامت تا دوران اعجاز انگیز دست آورد های کنونی طب راه پیموده است.

طب و طبابت منحصبت جزئی از تمدن بشری میراث گرانسنگ و شالوده‌ه فرهنگ آدمی را از آغاز پیدایش تا امروز همراهی نموده است. آریانای کهن و افغانستان امروز به عنوان یکی از کانون های تمدن بشری ثبت تاریخ تکامل بوده است. و هرات بمثابة حوزه تمدنی جزئی از افتخارات آن گستره جغرافیائی را باخود داشته است. شروع قرن پانزدهم میلادی شهر هرات در دامنه ویرانی چنگیز و تیمور سر بلند می نماید و نقطه عطفی را در تاریخ پر افتخار این سرزمین بجا میگذارد - و این زمان سر آغاز دوره رنسانس و نوزائی است که اروپا از خواب طولانی خاموشی و کم تحرک یکپهزار ساله قرون وسطی بیدار میشود - ولی هنوز هم نسخه های کتاب (قانون) ابوعلی سینا و آثار محمد بن زکریای رازی در کلاس های دانشگاه های اروپا (مونت پلیه) فرانسه و (پادوای) ایتالیا و سایر پوهنتون های اروپادست به دست میگردد و جزو پروگرام درسی این موسسات علمی به حساب میرود.

بارتولد مورخ شرق شناس روسی مینگارند که تیمور در حوالی سمرقند قرایی آباد کرد و نام های آنها را سلطانیه - شیراز - بغداد - دمشق - مصر (قاهره) گذاشت - تا آنکه تفوق فضیلت شهر سمرقند را بر شهر های دیگر ثابت کند. هرات در شمار این شهر ها نبود و تیمور نتوانست پیش بینی نماید که در آینده نزدیک حتی در سیاست شهر هرات با سمرقند رقابت خواهد کرد.

بعد از درگذشت تیمور در سال 807 هجری (1404 میلادی) اولادها و نواده های او توانستند تا اندازه ویران گری های مادی و معنوی میراث فرهنگی گذشته را جبران نمایند.

در پهلوی شکوفایی سایر مشخصه های فرهنگی - طب و طبابت در عصر تیموریان هرات رونق بسزائی داشت - و چون اشراف و اعیان و صاحبان پول و ثروت به معالجه و مداوای شان ضرورت احساس میکردند - از اینرو به اطبا احترام و حرمت می نمودند. روی این ملحوظ جمعی از اطبای سرزمین های مجاور به شهر هرات روی می آوردند. طب آن زمان ترکیبی از طب یونان - طب اسلامی - طب سنتی و هم تاثیر پذیر از طب هند و چین بوده ولی باز هم با وجود ویرانی و کتاب سوزی های دوران چنگیز و تیمور - نسخه های از کتاب قانون ابوعلی سینای بلخی و زکریای رازی در گوشه و کنار کشور پیدا می شد و اطبای قلمرو تیموریان هرات از آثار سایر اطبای اسلامی بهره می گرفتند. بهر صورت طب سنتی نیز در آن دوران به قوت خود در بین مردم رواج داشت. باید

گفت که طب سنتی مختص جوامع اولیه و براساس بررسی های جامعه شناسان طب سنتی و اعتقادات مذهبی و طب علمی در مواردی در کنار هم وجود داشته اند و حتی امروز هم طب علمی و طب سنتی را در مواردی تأیید مینماید.

مثال های را از طب سنتی به گونهء نمونه بیان مینمائیم. - فصد یارگ زدن - غسل در چشمه های آب سلفر - حجامت یا خون گرفتن بطریقه های سنتی و غیره. یکی دیگر از نمونه های طب سنتی تثبیت استخوان های شکسته توسط اشخاص با تجربه و شکسته بند ها است که حتی تا امروز هم در بعضی نقاط کشور موجود است. به روایت نویسنده (بدایع الوقایع] در شهر هرات در زمان حکمرانی سلطان حسین میرزای بایقرا - استخوان ران یکی از زنان سلطان خلع یا بیرون رفتگی پیدا نمود - بمنظور علاج آن استاد حسین شکسته بند را احضار نمودند. پادشاه به او گفت که استخوان ران این خانم را بجا بیاور - طوری که دست تو به جان این خانم تماس نکند. شکسته بند بعد از قدری اندیشه می پذیرد - و دستور میدهد که گاوی را سه روز ترید بدهند (ترید یک نوع خوراکهء قوی گاو ها است) و آب نخوراند بعد از سه روز بالشتی در پشت گاو انداخته آن خانم را بر گاو سوار نموده و پاها را با فیه در زیر شکم گاو محکم بستند و طشتی را حسین شکسته بند پر از آب کرده در پیش گاو گذاشت. گاو شروع به آب نوشیدن کرد و شکم گاو برآمدن گرفت - یکبار آواز استخوان برآمد و استخوان به جای خود قرار گرفت بدون اینکه دست شکسته بند به جان خانم تماس نماید. این موضوع باعث خوشحالی سلطان گردید و استاد حسین را مورد تفضل قرار داد.

به قول عبدالحی حبیبی تیموریان بر مملکت وسیعی از سیحون تا بحیره و عرب و از اقصای غربی فارس تا کنار رود سند به مدت یکنیم قرن حکمرانی داشتند که نفوذ سیاسی و علمی هرات تا استانبول و هندوستان جنوبی رسیده بود در حکمرانی شاه رخ در شهر هرات که حدود نیم قرن ادامه داشت در پهلوی درخشش سایر عرصه های فرهنگی طب ابوعلی سینا و رازی از جانب اطباء زمان مورد استفاده قرار داشت - به همین گونه در زمان حکومت ابوسعید و به خصوص سلطان حسن بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علی شیر اطبا در شهر هرات روزانه جمعی از مریضان و مجروحین جنگی را معالجه و تداوی میکردند.

ولادیمیر و سلویچ بارتولد مینویسد که امیر علی شیر بنا ها و عمراناتی را در شهر هرات بنام موسسات اخلاصیه آباد نمود از جمله مسجد - مدرسه - خانقاه - شفاخانه یا بیمارستان و حمام عمومی که همه این ها در یک ناحیه کنار جوی انجیل افتاده بود. از این اشاره بارتولد معلوم میگردد که شهر هرات در آن وقت دارای شفاخانه و طبای زیادی بوده است که در خدمت مردم قرار داشته است.

گفته میشود که روابط حسنه در آن زمان بین مولانا عبدالرحمن جامی و خواجه احرار و پیروانش وجود داشت. به قول عبدالرزاق سمرقندی خواجه احرار هنگام مریضی از امیر شیر علی مستقیماء تقاضا نمود تا طبیبی را جهت معالجه او بفرستد. هرات در آن وقت مرکز علمای طب بوده روحانی پیر که این وقت دشمنعلو م ظاهری بوده مجبور گردید از عام جهت معالجه خود مدد بخواهد. میر علی شیر نظام الدین عبدالحی طبیب را نزد او فرستاد - گرچه عبدالحی طبیب نتوانست خواجه احرار را معالجه نماید. اما این کار او از مقام او نزد امیر علی شیر و سلطان حسین نکاست. عبدالحی طبیب به عیادت

سلطان و خانواده سلطنتی میرفت و همین شغل طبابت باعث شد تا به حرم سلطان راه یابد.

اطبای مشهور عصر تیموریان عبارتند از:

نظام الدین عبدالحی طبیب که یکی از اطبای معروف دوره تیموری هرات به حساب می‌رود - در بین اطبای آن زمان نیمه دوم قرن پانزدهم میلادی از شهرت خوب برخوردار بود. او نزد سلطان حسین میرزای بایقرا و وزیر او امیر علی شیر نوائی از مقام خاصی برخوردار بود و با امیر علی شیر در سفر هایش او را همراهی میکرد و حتی هنگام مرگ امیر علی شیر تا آخرین لحظه حیات دکنارش بود. این طبیب حاذق همواره به معالجه و مداوای حرم سلطان مبادرت می ورزید.

نجیب الدین سمرقندی یکی دیگر از اطبای تیموریان هرات است که کتاب های متعددی درباره دوا ها نوشته است و مهمترین کتاب او (الاسباب والعلامات) موسوم است هم چنین تفسیری نیز به فارسی در این کتاب نوشته بود که نام آن (طب اخباری) بود و بوسیله محمد اکبر لاریجانی تنظیم شده و به سال 1083 میلادی به عالمگیر پادشاه هندوستان تقدیم شد.

اطبای دیگر عصر تیموریان هرات عبارت بودند از خواجه رشید الدین - ابن نفیس قریشی- قطب الدین شیرازی - علامه شمس الدین - فضل الدین کرمانی - وابوزین کمال و غیره میباشند که در دوره تیموریان هرات به معالجه و تدای مردم می پرداختند. بارتولد می نویسد که مولوی عبدالرحمن جامی دوست صمیمی امیر علی شیر بود و شب در گذشت جامی - امیر علی شیر چند بار با اطبای حاذق به عیادت جامی به منزلش رفت. در ارتباط به درگذشت مرگ امیر علی شیر بارتولد چنین مینگارد:

روز دوشنبه بیست و هشت دسامبر خبر مراجعت سلطان حسین از استرآباد به هرات رسید - امیر علی شیر که در آن وقت کفیل مقام سلطنت بود - غرض استقبال از سلطان به خارج شهر حرکت نمود ولی این آخرین استقبال او بود. در این وقت سلطان حسین و امیر علی شیر هر دو به ضعف پیری مبتلا بودند. میر علی شیر شصت ساله و سلطان حسین شصت و دو ساله بود اگر چه امیر علی شیر قوی تر بود میتوانست بر اسب سوار شود ولی سلطان در تخت روان سفر میکرد و وقتی امیر علی شیر از اسب پیاده شد تا به محمل سلطان نزدیک شود مصاب یک حالت ضعف گردید و بر شانه دوفر از ملازمین تکیه داده و خود را به سلطان رسانید و دست سلطان را بوسید ولی فوراً به زمین افتاد و نتوانست برخیزد و یا به سوالات سلطان جواب دهد. او را بر تخت روانی خواباندند - اطباء دور او جمع شدند و در مورد معالجه او اختلاف نظر داشتند. مورخ جوان خواند میر که در روز های اخیر امیر علی شیر نزد او بود- در مباحثات شرکت کرد. عده میخواستند او را در آنجا بگذارند تا بهبود یابد و بعد از آن به هرات بروند دیگران بشمول عبدالحی طبیب گفتند او را باید به هرات برد تا بزرگترین اطبا را در معالجه او به خدمت گرفت.

به اصرار خواند میر فیصله شد تا اقدامات فوری بعمل آید. اما قبل از آنکه اجازه سلطان را بگیرند سه فرسخ دیگر طی گردید و موقع از دست رفت فصد (رگ زدن) انجام شد اما فائده نکرد روز سه شنبه سه جنوری 1501 میلادی امیر علی شیر وفات نمود.

از نتیجه چنین بر می آید و اینطور فکر میشود که وزیر مبتلا به حمله قلبی و یا سگته مغزی شده باشد از اینکه عبدالحی طبیب اسرار می نماید که او را زودتر به هرات برده تا مشوره تا مشوره بزرگترین اطبا را حاصل نموده پس چنین استنباط میشود که در آن وقت طبای با تجربه تر و زیادی در هرات وجود داشته است که حتی طبیب مخصوص شاه هم به مشوره آنها نیاز داشته است. بی مناسبت نخواهد بود اگر از دو شخصیت فرزانه و طبای حاذق یاد نمائیم که در هرات مدفون هستند و در یک فاصله زمانی عصر تیموری در هرات زندگی داشتند.

ابومنصور موفق بن علی هروی که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری قمری میزیسته و کتاب (الابنیه عن حقایق الادویه) از اوست و همچنان ابو عبدالله محمد بن عمر رازی مشهور به امام فخر رازی – دانشمند علوم عقلی و نقلی و از جمله طبای زمان بود. او به دربار سلطان محمد خوارزم شاه میزیست که بعداً به هرات آمد. متوجه باید بود که این شخص با محمد بن ذکریای رازی مغالطه نگردد فخر رازی شرحی بر کتاب (قانون) ابو علی سینا نوشته است و در قرن ششم هجری زندگی داشته است.

#### ریفرنس ها:

افغانستان در مسیر تاریخ جلد اول میر غلام محمد غبار.  
زندگانی سیاسی امیر علی شیر نوائی – مولف بارتولد – ترجمه پوهاند میر حسین شاه.  
طب در گستره تاریخ: مولف پوهندوی دوکتور محمد انور ترابی.  
اندیشمندان و دانشمندان عوم طب – مولف پوهندوی محمد انور ترابی.  
تاریخ مختصر افغانستان مولف عبدالحی حبیبی.